



ایران

سخن‌روز

حضرت محمد(ص):

به یکدیگر هدیه دهید: زیبا هدیه، کینه‌ها را می برد.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴، ح ۱۴

مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران

رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

مدیرعامل: علی متقیان

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

سینما به مثابه حافظ «حافظه جمعی»



شرایط دیروز، اکنون، فردا و پس فردا... قطعاً خواهد بود: سینمای ایران به خلق جدید، تصویرسازی بدیع و روایتگری یگانه شهره بوده است و گمان مبر که به پایان رسید کار مغان هزار باده ناخورده در رگ تاک است

در آن خویشتن خویش را بازمی بیند و باز می شناسد. حتی وجوهی که برای او از دیدگان روزمرگی نهان مانده را برایش عیان می کند. در عصر ما سینما دیگر محدود به پردهٔ نقره‌ای نیست؛ بلکه به‌سوی تعاملی شدن، بینا رسانه‌ای شدن و فناوریانه شدن حرکت کرده است. در این میان، وظیفه و مسئولیت جمعی ایجاد توازن میان میراث کهن و نوآوری نو و تازه است. این وظیفه جمعی باید سینما را از سطح «یادمان» به سطح «گفتمان» ارتقا بخشد؛ گفتمانی فراگیر با مشارکت فعال و مسئولیت پذیر همه ذی نفعان و با در نظر گرفتن جمع

«رسانه» نیست؛ بستر تحقق «باهم بودن» است. سالن سینما، مسحور شدن هم‌زمان تماشاگران و خلق تجربهٔ مشترک در دل تصاویر، مصداقی است از این هم‌بودگی وجودی و فردی در سطح اجتماعی. سینمای ایران در تشکیل و ترسیم حافظهٔ فرهنگی نقشی اساسی ایفا کرده است و از آغاز، پیوندی تنگاتنگ با سنت ادبی و روایی داشته است. فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای ایران نه تنها روایتگر رویدادهای تاریخی این مرز و بوم‌اند بلکه به تعبیری به «حافظهٔ جمعی» ما صورتی تصویری بخشیده‌اند. این تصویر سینمای ایران «آینه‌ای فرهنگی» است که ملت

یادداشت

راند فریدزاده

رئیس سازمان سینمایی

روز ملی سینما در ایران، فراتر از یک مناسبت تقویمی، فرصتی است برای اندیشیدن به نسبت ما با هنری که در یک قرن اخیر بیش از هر هنر و رسانه دیگری در شکل دهی به حافظهٔ جمعی، هویت فرهنگی، و آفاق‌های تخیل اجتماعی اثرگذار بوده است. سینما صرفاً یک

دیدید آخرش آرتیست شدم

یادش به‌خیر سینما نور تو امپریه، میهن چهار راه حسن آباد، رکس و ایران تو لاله زار، ده، دوازده سالم بود.

می‌بومدم خونه، ادای آرتیست‌ها رو رو درمی آوردم. دیدید آخرش آرتیست شدم. اما خوشحالم که تونسستم به خواست دلم و با انگیزهٔ غریزه بازی زندگی کتم و حاصل کارم بی بار و بر نبود.

لدت بزرگ زندگی من بازی در تئاتر و سینماست. روز ملی سینما مبارک.

گزیده‌ای از صحبت‌های استاد علی نصیریان به بهانه روز ملی سینما/ مهر

دست‌نوشته‌های ۴ چهره برای چهار ستاره؛ پرونده ویژه روزنامه «ایران» برای روز سینما

درخششی ابدی پرده نقره‌ای

است برای پاسداشت میراثی که همچنان زنده و جاری است. سینماگران نسل‌های مختلف، با انتخاب‌های خلاقانه و پایبندی به حقیقت، پایه‌های این حافظه مشترک را ساخته‌اند: بازیگرانی که فراتر از نقش، بدل به شخصیت‌های زنده شدند، فیلمبردارانی که قاب‌هایشان در ذهن تماشاگر رسوب کرده است، تهیه‌کنندگانی که زمینه خلق آثار ماندگار را فراهم کرده‌اند و فیلمسازانی که جهان بینی و روایتشان به تاریخ سینما هویت بخشیده است. به همین مناسبت، در این پرونده چهار یادداشت از چهار چهره معتبر منتشر می‌شود: فریدون جیرانی درباره لیلا حاتمی، علیرضا زین دست درباره محمود کلاری، علیرضا داوودنژاد درباره هارون یشایایی و جواد طوسی درباره مسعود کیمیایی. این نوشته‌ها فقط نگرش افراد نیستند، بلکه بازخوانی بخشی از تاریخ و حافظه سینمای ایران‌اند؛ یادآوری این حقیقت که سینما تنها روی پرده شکل نمی‌گیرد، بلکه در پیوند میان هنرمند و جامعه، در گفت‌وگوی مداوم میان نسل‌ها و در خاطره‌هایی که هرگز فراموش نمی‌شوند، جان می‌گیرد.

گزارش

نرگس عاشوری گروه فرهنگی

سینما فقط یک هنر یا صنعت نیست؛ بخشی از حافظه جمعی ماست. هر تصویر و هر شخصیت، در گذر سال‌ها به رگه‌ای از زیست اجتماعی و عاطفی ما بدل شده است. ۲۱ شهریور، روز ملی سینما، فرصتی است برای بازخوانی این حافظه و یادآوری سهم سینما در شکل دادن به روایاها، امیدها و روایت‌های این سرزمین. تکریم بزرگان سینما در چنین روزی تنها یک آیین نمادین نیست، بلکه ضرورتی

تصویری از عزت‌الله انتظامی در فیلم ناصرالدینشاه آکبورا سینما

عزت‌الله انتظامی

ناصرالدینشاه آکبورا سینما

درباره هارون یشایایی

جواهراتی از گنجینه تاریخ سینما

علیرضا داوودنژاد فیلمساز

بعد از انقلاب علی عباسی بزرگوار که فیلم «نازنین» را برای او ساخته بودم با پیشنهاد انجام‌کاری تازه سراغم آمد و قرار شد فیلم «جایزه» را با مشارکت بخشیران کلید بزنیم؛ وقتی پیش تولید آغاز شد، آقای عباسی دست من را در دست پرویز خان یشایایی گذاشت و راهی سفر شد؛ من ماندم و پرویز خان و بخشیران و پلاتونی در چشم من عظیم و درجه یک و تهیه‌کننده‌ای دانا و مهربان و متواضع که هرچه می‌خواستی نه نمی‌گفت.

برای من که از سینمای فقیر قبل از انقلاب آمده بودم، همراه رفیق عزیزم جمشید الوندی که معمولاً باید با یک ایرفلکس و سه تا لنزویک تله زوم و تعدادی چراغ ژاپنی و یکی دوتا چراغ دوهار، سرو ته کار فیلمبرداری یک فیلم را هم می‌آورد، مواجهه با وسایل حرکتی درجه یک و سه‌پایه‌های هیدرولیک و کربن و دوربین جدید و لنزها و تله زوم دست اول، یک خوشحالی زاید الوصف بود که رویاهای ما را به پرواز در می‌آورد؛ فیلم درباره خانواده‌ای بود که در قرقه کشی بانک برنده یک هواپیمای می‌شوند و با عنوان خانواده خوشبخت به دنیای بازیگران فیلم‌های تبلیغاتی می‌پیوندند. داستان فیلم و ماجرای گرفتن پروانه و نمایش آن بماند که حدوداً سی و پنج دقیقه آن با دلالی که توضیحش مطلبی جدا می‌خواهد حذف شد و اینجا قدمم فقط شرح تولید یکی از صحنه‌های فیلم است. برای ساختن یکی از فیلم‌های تبلیغاتی با شخصیت‌های اصلی فیلم نقشه من این بود که از سقف پلاتوی یک ترازوی عظیم آویزان کنیم که در یک کفه آن پول بریزیم و در کفه دیگر خانواده فیلم یعنی آقای نصیریان و خانم ایرن و دختر و پسرشان را بنشانیم تا مطابق شعار تبلیغاتی «هموزن

درباره لیلا حاتمی

بازیگر مؤلف

فریدون جیرانی منتقد و فیلمساز

نقش‌ها اگر دقیق و درست نوشته نشوند بازیگران نمی‌توانند توانایی خودشان را نشان دهند؛ اما بازیگرانی هستند که می‌توانند با ویژگی‌هایی که دارند نقشی را که طراحی درستی دارد رنگ‌آمیزی کنند و با این رنگ‌آمیزی نقش را باورپذیر و تأثیرگذار کنند. اینجا صحبت از بازیگری است که دارد شخصیتی را کامل می‌کند نه بازیگری که تئپی را تکرار می‌کند با ویژگی‌های آن تپ؛ خنده، گریه، راه رفتن، لهجه. از بازیگرانی می‌گویم که می‌شود گفت بازیگران مؤلفند و تألیف آنها نقش‌هایی است که شخصیت‌های متنوعی‌اند که یک حس مشترک آنها را به هم مرتبط می‌کند.

لیلا حاتمی یک بازیگر مؤلف است. او با نقش، درونی ارتباط برقرار می‌کند و تا این ارتباط درونی بین او و نقش به وجود نیاید نقش را بازی نمی‌کند. این ارتباط درونی با آگاهی و شناخت او از نقش همراه می‌شود؛ سوادی حسی و درونی که درک آن نیاز به استمرار همکاری با او دارد. بازیگری است که وقتی درباره نقش حرف می‌زند ادعا و فضیلتی را به رخ نمی‌کشد، آن فضیلت در تمامی شخصیت اوست، شخصیتی که به ظاهر ساده به نظر می‌رسد؛ اما وقتی در قالب نقش قرار می‌گیرد، حس و حالی جلوی دوربین شکل می‌گیرد که نشانه درون پیچیده و شناخت و آگاهی اوست. بروز بیرونی این شناخت کلمات نیست؛ نگاه، بیان، راه رفتن، نشستن و تمامی جزئیاتی است که او دارد در اجرای نقش به کار می‌گیرد. همین جزئیات در بازی‌اش تألیف اوست که تلفیق غریزه و آگاهی است.

از شکوه در «بی‌پولی» که پرچم‌نویس‌ترین بازی اوست تا نگار تمدن در «چهل

درباره محمود کلاری

رسوب تصویر در ذهن مخاطب

علیرضا زین دست فیلمبردار

محمود کلاری برای من، پیش از آنکه یک فیلمبردار برجسته باشد، انسانی است سرشار از مهر و صمیمیت. در تمام سال‌هایی که او را از نزدیک دیده‌ام، همیشه با مهربانی، سادگی و تأثیرپذیری صادقانه‌اش مواجه شده‌ام؛ انسانی که به راحتی اشکش جاری می‌شود و همین شفافیت روحی او را دوست داشتنی‌تر می‌کند.

کمتر کسی در سینما توانسته چنین ترکیبی از اخلاق و هنر را با هم داشته باشد. به همین دلیل، بی‌اغراق باید گفت او یکی از کمياب‌ترین چهره‌های فیلمبرداری ایران است؛ نعمتی که سینمای ما باید قدرش را بداند و به حضورش افتخار کند.

کارنامه هنری او هم به همان اندازه یگانه است. سابقه عکاسی‌اش در نگاه تصویری‌اش رسوب کرده و به فیلمبرداری او بُعدی تازه بخشیده است. تصاویر کلاری فقط ثبت نمی‌شوند، بلکه در ذهن تماشاگر رسوب می‌کنند؛ آن گونه که حتی پس از پایان فیلم همچنان باقی می‌ماند. این ویژگی ساده به دست نمی‌آید. حاصل شناخت عمیق

درباره مسعود کیمیایی

پشت دیوار عشق مانده‌ها*

جواد طوسی منتقد سینما

قدیمی‌ترین و کهنه‌کارترین فیلمساز دوران «موج نو» که همچنان زنگ را برایش می‌زند و در صحنه است و حرفی برای گفتن دارد. آن بچه غد و یک‌دنده و پُر شر و شور خیابان‌ری و امام‌زاده بچی حالا در آستانه ۸۴ سالگی می‌خواهد سی و چهارمین فیلمش را کلید بزند: «عشق در انفرادی». او هنوز یک بازی تعلیق‌آمیز با کلمات برای درگیر کردن مخاطبینش و ایجاد کنجکاوی اولیه در ذهن‌شان را خوب بلد است. مسعود کیمیایی، کسی که مثل هیچ‌کس نیست. یک آرتیست باهوش با بدقلقی‌های خاص خودش در این روزگار نامراد. یک فیلمساز قصه‌پرداز همچنان معترض که جلوتر از سیاست وایدئولوژی، باخودانسان و خالصش کار دارد و همچنان به ستیزی‌اش نیندیشد. جایگاه او لا و تاریخ‌ساز مسعود کیمیایی ریشه در ذات سینما دارد. به غلط می‌گویند «او خودش را تکرار می‌کند». تأمل و مرور جدی و مرحله به مرحله کارنامه سینمایی مسعود کیمیایی نشان می‌دهد که مفاهیمی چون قهرمان، عدالت، رفاقت، عشق، جامعه، انسان، تنهایی، اخلاق، آرمان و عقیده، مرگ دلخواه و سرخوشانه و... چقدر در نقطه دید ذهنی او در این مسیر پرحادثه تاریخ معاصر و حتی در مناسبات فردی و اجتماعی و احوالات شخصی‌اش پوست انداخته و تعریفی متفاوت پیدا کرده‌اند. باین اوصاف، شمایل تاریخی و کارنامه‌تیک مسعود کیمیایی نیز